



تعامل سازه‌های جامعه‌شناختی با پیشگیری از جرم با

تأکید بر گرایش به بزهکاری

(مورد مطالعه: نوجوانان شهر تهران)

ایوب سخایی^۱ و سیدسعید حسینی‌زاده‌آرانی^۲

چکیده

زمینه و هدف: نوجوانان یکی از سرمایه‌های اصلی هر جامعه محسوب می‌شوند که در پویایی و تداوم حیات اجتماعی نقش بسزایی دارد و مسئله بزهکاری این قشر می‌تواند یک مانع جدی در راه شکوفایی استعدادها و این قشر قلمداد شود. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سازه‌های جامعه‌شناختی با گرایش به بزهکاری نوجوانان است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی است که با راهبرد قیاسی و به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، نوجوانان شهر تهران است و حجم نمونه آن ۳۸۴ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری به دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده انجام شد. داده‌ها با به کارگیری ابزار پرسشنامه جمع‌آوری و به وسیله نرم‌افزارهای آماری «لیزرل» و «اس.پی.اس. اس» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که چهار متغیر (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سلامت اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی) رابطه مستقیم و معناداری با گرایش به بزهکاری نوجوانان دارند و در مقابل دو متغیر (احساس انومی و احساس محرومیت) رابطه معکوس و معناداری با گرایش به بزهکاری دارند. به بیانی دیگر با افزایش احساس انومی و احساس محرومیت و کاهش سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سلامت اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی میزان گرایش به بزهکاری نوجوانان افزایش پیدا می‌کند.

نتایج: مسئولان آموزش و پرورش، والدین، رسانه‌های گروهی، متخصصان اصلاح و تربیت برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان لازم است به عوامل اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشند، بنابراین توجه به این عوامل به عنوان عوامل زمینه‌ساز بزهکاری ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: سازه جامعه‌شناختی، پیشگیری از وقوع جرم، گرایش به بزهکاری، نوجوانان، شهر تهران

□ استناد: سخایی، ایوب؛ حسینی‌زاده‌آرانی، سید سعید (بهار، ۱۳۹۷). تعامل سازه‌های جامعه‌شناختی با پیشگیری از جرم با تأکید بر گرایش به

بزهکاری (مورد مطالعه: نوجوانان شهر تهران). *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، (۱)، ۱۱-۲۵.

۱. دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان. (نویسنده مسئول). رایانامه: Sakhaei84@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان. رایانامه: hoseynizade69@alumni.ac.ir

مقدمه

انسان، یگانه موجودی است که به منظور ادامه حیات و انطباق اقتصادی، رشد شخصیتی و تنسيق الگوهای رفتاری و انتقال موارث جمعی، از لحظه ورود به جهان فیزیکی، ناگزیر به سایر انسان‌ها وابسته بوده و از این رو به زندگی سازمان یافته گروهی در قالب نهادهای منسجم اجتماعی می‌گراید و از روابط اجتماعی موجود در این نهادها، کمال بهره را در زمینه انطباق پذیری و پایداری رفتاری و فرهنگی می‌برد. با این وجود، قسم عمده‌ای از مسائل موجود در جامعه بشری، برآمده از روابط اجتماعی بوده و سلطه ماشین‌نسیسم در قرن بیستم، ضایعات انسانی فراوانی را بر روابط میان انسان‌ها تحمیل کرده و منجر به ازهم‌گسیختگی روابط اجتماعی در قالب‌هایی نظیر توسعه کج‌روی و بزهکاری عناصر نوپای جامعه شده است (علی‌وردی‌نیا، شارع‌پور و ورمزبیار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). بزهکاری، اشاره به وضع و حالتی دارد که شخص تخطی کننده از الزامات قانونی، خود را با آن مواجه می‌یابد. در بیشتر کشورها، واژه بزهکاری نوجوانان در اشاره به افرادی مورد استفاده واقع می‌شود که در سنین ۱۳ تا ۱۸ سالگی مرتکب عملی می‌شوند که از دیدگاه قانون شایسته مجازات است (رسول‌زاده اقدام، جعفری، سعادت و یوسفی اقدام، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹). بزهکاری به جز دربر داشتن جرائم، شامل رفتارهای غیر مجرمانه نیز هست، مواردی چون فرار از منزل، گریز از مدرسه و سرپیچی از دستورات والدین یا مراجع قانونی مصادیق بزهکاری تلقی می‌شوند. این نوع اعمال، اغلب به صورت تخلفات منزلتی مطرح می‌شوند که این موضوع به وضعیت سنی شخص هنگام ارتکاب تخلف اشاره دارد. معمولاً بیشترین سن برای حوزه قضایی دادگاه جوانان ۱۸ سال است، ولی برخی دولت‌ها حدود سنی را کاهش داده‌اند (شوماکر، ۲۰۱۰، ص ۳).

از نظر «داتش، کروکت، ولف و راسل» (۲۰۱۲)، موضوع بزهکاری نوجوانان از دو جنبه تداوم و فراوانی در زمره مسائل مهم اجتماعی جامعه ایران به شمار می‌رود. به عبارتی، از یک سو رفتارهای بزهکارانه از دوران نوجوانی به بزرگسالی تسری یافته و از سوی دیگر، فراوانی‌های آماری آن فراتر از میزان‌های رسمی ثبت شده است. گزارش‌های موجود نشان می‌دهند که با وجود

1. Shoemaker

2. Deutsch, Crockett, Wolff, Russell

کاهش قابل توجه ورودی پرونده‌ها به دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در سال ۹۴، از سال ۹۵ بار دیگر آمار ورود پرونده‌ها به محاکم اطفال و نوجوانان رو به صعود گذاشته و به سه هزار و ۴۰۹ فقره افزایش یافته است. روند رو به رشد ورود پرونده‌ها در سال ۹۶ نسبت به ۹۵ با جهش قابل توجهی همراه بوده و با رشد ۵۰ درصدی، از سه هزار و ۴۰۹ فقره در سال ۹۵ به ۶ هزار و ۴۹۰ فقره در سال ۹۶ افزایش یافته است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷/۰۶/۳۰). در کنار این مسائل، بزهکاری به نوبه خود، باعث تباهی بسیاری از جوانان و نوجوانان جامعه شده، هزینه‌های کلانی را بر جامعه تحمیل می‌کند و جامعه را از داشتن نیروهای انسانی کارآمد، متخصص و متعهد محروم می‌سازد، به طوری که کودکان و نوجوانانی که گرفتار این مسئله اجتماعی می‌شوند، در بیشتر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و کار از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آن‌ها تأثیر فراوان گذاشته و با توجه به پذیرفته نشدن آن‌ها در حلقه‌های درسی و کاری، قشر مطرودی از این‌گونه افراد به وجود آمده که این امر مسئله را برای نسل‌های آینده تشدید کرده و باعث تباهی بیشتری در کودکان و نوجوانان می‌شود. لذا تا زمانی که علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این مسئله شناسایی نشود و فقط به مداخلات موردی و مسکن‌وار این اعمال اکتفا شود، حرکت به سوی درمان بزهکاری به تأخیر خواهد افتاد و ریشه‌های آن در سطوح مختلف اجتماعی گسترش خواهد یافت. در این زمینه اهمیت برخی سازه‌های اجتماعی نظیر احساس محرومیت، انومی اجتماعی، انواع سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، سلامت اجتماعی و نقش زیربنایی پایگاه اجتماعی- اقتصادی در شکل‌گیری بزهکاری نوجوانان در نظام‌های اجتماعی غیر قابل انکار است. بر این اساس، سطح اجتماعی/ اقتصادی فرد و خانواده وی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در بروز بزهکاری نوجوانان به شمار می‌رود و اگرچه بزهکاری در نوجوانان خانواده‌های مرفه نیز به چشم می‌خورد، اما بیشتر نوجوانان بزهکار در خانواده‌هایی رشد کرده‌اند که وضعیت اجتماعی- اقتصادی مناسبی نداشته‌اند (نظری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷). از سوی دیگر، نوجوانان برآمده از طبقات اجتماعی/ اقتصادی پایین جامعه، احساس محرومیت بیشتری نیز داشته و وقتی فرد احساس محرومیت می‌کند، شاید به خشونت روی می‌آورد، زیرا احساس می‌کند جامعه در مقابل توزیع امکانات، ناعادلانه عمل کرده است (حیدری و پارسامهر، ۱۳۹۰، ص ۲۲۵). بنابراین

برای نیل به شرایط بهتر و دستیابی به امکانات و منابع بیشتر دست به اعمال ناهنجاری می‌زند که به لحاظ اجتماعی، نامطلوب و به لحاظ هنجاری، تخطی از اصول و معیارهای مورد قبول جامعه محسوب می‌شود. در کنار احساس محرومیت، انواع سرمایه اجتماعی و فرهنگی نیز در پیشگیری از جرم و کاهش گرایش به بزهکاری نقش مؤثری ایفا می‌کنند، به طوری که سست شدن پیوندهای اجتماعی، جوانان را از دارابودن ارتباطات سالم و اعتماد اجتماعی و به عبارتی، سرمایه اجتماعی مناسب و سالم محروم می‌سازد. سرمایه اجتماعی با تأمین نوعی امنیت معنایی برای فرد که به واسطه معنادهی سنت‌ها، ارزش‌ها و قواعد به زندگی افراد در جامعه حاصل می‌آید (فرد را مجهز به سلامت اجتماعی ساخته و) وی را از گرفتارآمدن در دامن ناهنجاری‌ها و بزهکاری و مشارکت منفی در جامعه دور می‌سازد (احمدی، شمسی و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۵).

سرمایه فرهنگی نیز که به تعبیر «بورديو»^۱ حاکی از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل مناسب و حاصل تحصیلات، مدارک، مهارت‌های و تجربه‌های فرهنگی است، توسعه سلامت اجتماعی و کاهش گرایش به بزهکاری مؤثر است. «آرگایل»^۲ بر این باور است که کسانی که دارای سرمایه فرهنگی بیشتری هستند، موفق‌تر بوده و این موفقیت باعث بهبود وضعیت سلامت و کاهش رفتارهای بزهکارانه آن‌ها می‌شود. «گاجن»^۳ و همکاران (۲۰۱۵) خاطر نشان کردند که کاربرد شاخص‌های نوین سرمایه فرهنگی ممکن است به فهم بهتر ما از منابع اجتماعی که افراد از طریق آن‌ها به سمت رفتارهای سالم هدایت می‌شوند، کمک کند (قادری، ملکی و احمدنیا، ۱۳۹۵، ص ۱۸). بر این اساس، پژوهش حاضر در راستای بررسی تعامل سازه‌های جامعه‌شناختی در پیشگیری از جرم با تأکید بر گرایش به بزهکاری هدف‌گذاری شده است و درصدد است تا فراتر از تحلیل‌های تک‌بعدی از ارتباط میان سازه‌های جامعه‌شناختی با بزهکاری، روابط تعاملاتی میان آن‌ها را برای ارائه تحلیلی چندگانه از شاخص‌های مؤثر بر بزهکاری مورد ارزیابی قرار دهد.

1. Bordeu

2. Argail

3. Gajen

مبانی نظری

مبانی نظری - تحلیلی این پژوهش با توجه به ماهیت موضوعی آن که دربرگیرنده فرایند تعاملی میان سازه‌های اجتماعی تبیین‌گر بزهکاری است، متکی بر متغیر پایگاه اجتماعی/ اقتصادی یا وضعیت و شرایط افراد در خانواده و جامعه به‌مثابه عنصر بنیادین گرایش افراد به بزهکاری است. در این زمینه، شواهد نظری و تجربی نشان می‌دهد که طبقات اقتصادی- اجتماعی پایین، میزان بیشتری از رفتارهای غیرقانونی را نسبت به طبقات متوسط و بالا مرتکب می‌شوند. بنابر نظریه فرصت، فقر و قانون‌گریزی «مرتون»، در جامعه‌ای که تأکید زیادی بر موفقیت‌های مادی داشته و میزان دارایی را معیار موفقیت می‌داند، ثروت به‌عنوان یک هدف فرهنگی و اجتماعی برساخت می‌شود. از آنجایی که قشر کوچکی در جامعه دسترسی گسترده‌ای به امکانات و اهداف مالی دارند، اما بیشتر طبقات پایین جامعه دسترسی محدودی به شیوه‌های درآمدزا دارند، بنابراین برای گروه فقرا ابزار و اهداف اجتماعی بر هم منطبق نبوده، هدف را مطلوب می‌دانند ولی امکان دسترسی به آن را ندارند. بدین لحاظ، افراد فقیر به روش‌های مختلف سعی بر انطباق اجتماعی می‌کنند و در این شرایط باید انتظار داشت که فقرا برای تطبیق‌پذیری، رفتارهای غیرقانونی بیشتری برای پاسخگویی تقاضاها و رفع نیازهای ضروری خود انجام دهند (عباس‌زاده، عابدینی، حسنی و مبارک بخشایش، ۱۳۹۱، ص ۲۵)، زیرا هرروزه تصاویر کالاهای مادی را در وسایل ارتباط جمعی می‌بینند اما دست‌یابی به آن‌ها منوط به آموزش‌ها و شناخت راه‌های کسب پول است که برای آن‌ها مقدور نیست. بنابراین گرایش به رفتارهای بزهکارانه در میان افراد طبقه پایین و محروم به علت فشارهای اقتصادی- اجتماعی جامعه بیشتر است. از طرفی دیگر، شرایط ضعیف اقتصادی/ اجتماعی خانواده در کنار پایین بودن سطح سواد والدین، خانواده را بیشتر درگیر پرداختن به تأمین نیازهای اولیه اعضای خانواده می‌کند و زمینه غفلت‌ورزی، کم‌توجهی، افزایش تعارض و در نتیجه فاصله‌گیری والدین و نوجوانان را از یکدیگر فراهم می‌سازد (نظری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷). حضور کم‌رنگ پدر برای تأمین نیازهای زندگی نیز در این خانواده‌ها موجب می‌شود تا مادر به‌تنهایی این مسئولیت را بپذیرد، درحالی‌که این مسئله میزان نظارت بر پسران را کاهش داده و بر گرایش‌های نابهنجار آن‌ها در خارج از خانه می‌افزاید.

از سوی دیگر، پایگاه اقتصادی / اجتماعی ضعیف و جای گیری در شرایط نامطلوب، احساس محرومیت و در نتیجه آن حس آنومیک بیشتری فراهم ساخته و زمینه را برای توسعه بزهکاری نوجوانان گسترش می دهد. همان گونه که ذکر شد، بنابر نظریه فشار ساختاری «مرتون»^۱، نوجوانان طبقات پایین جامعه در نیل به اهداف و آرزوهای خود، احساس محرومیت و ناکامی بیشتری داشته و این محرومیت ناشی از مقایسه وضعیتی خویش با دیگران، نسبی است. به طور کلی، محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی و قابلیت های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشت ها و تصوراتی است که به واسطه مقایسه اجتماعی پدید می آید (چاندر و فوستر^۲، ۲۰۰۵، ص ۳۰۵).

نظریه محرومیت نسبی بر آثار ناشی از احساس محرومیت بر رفتارها، نگرش ها و رضایت افراد تمرکز دارد و نشان می دهد که محرومیت اقتصادی امر نسبی بوده و به گروه مرجعی بستگی دارد که فرد خود را با آن ها مقایسه می کند. به عبارتی به هر اندازه که فرد خود را با افراد بهره مندتر به لحاظ معیارهای اجتماعی مقایسه کند، فارغ از وضعیت عینی که دارد، احساس محرومیت بیشتری خواهد کرد. این احساس محرومیت خود را در بروز رفتارهای انحرافی نشان داده و پیامدهای روانی و رفتاری نامطلوبی را در پی دارد (لوپز تورلی^۳، ۲۰۰۲). در این زمینه «مرتون» و «روسی»^۴ (۱۹۶۸) و «بلاو» و «بلاو»^۵ (۱۹۸۲) به عنوان تئوری پردازان محرومیت نسبی تأکید کرده اند که احساس محرومیت نسبی به نوبه خود به خشم و بی هنجاری (احساس آنومی) می انجامد و خشم و بی هنجاری، واسطه ای میان محرومیت نسبی و جرم هستند (نبوی و حیدری، ۱۳۹۳، ص). به اعتقاد «دورکیم»^۶، بزهکاری تابع عوامل اجتماعی و وضعیت های آنومیک جامعه است. بی هنجاری را می توان وضعیتی دانست که در جامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند، بنابراین او بی ریشه عمل می کند. از نظر دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به هنجارها و قوانین به وجود می آید، افراد احساس می کنند راهنمایی در انتخاب های خود ندارند و در نتیجه حالتی از گسستگی و بی سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می شود. پیامدهای این وضعیت

1. Merton

3. Lopez & turley

5. Blau & Blau

2. Chandra & Foster

4. Rossi

6. Durkheim

آنومیک در شکل انواع نابسامانی‌های فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی با شخصیت اجتماعی او متجلی شده، نتیجه این تعارض هم این است که خواسته‌های وجدان جمعی کارایی خود را از دست می‌دهد و در نهایت با رهاشدن افراد به حال خویش، توسعه رفتارهای کج روانه و بزهکارانه اجتناب‌ناپذیر می‌شود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۳). بنابراین پایگاه پایین، حس محرومیت و بی‌هنجاری و در نتیجه گرایش به بزهکاری را شکل می‌دهد.

محور تبیینی دیگر در این فرایند از طریق انواع سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و تأثیری که بر سلامت اجتماعی بر جای می‌گذارند، صورت می‌گیرد. «بوردیو» (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یکی از انواع سرمایه در کنار سرمایه فیزیکی و انسانی در نظر گرفته و معتقد است که سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا نهفته‌ای است که حاصل شبکه‌های با دوام از روابط کم‌وبیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. در کنار این نوع سرمایه، بوردیو از سرمایه فرهنگی به‌مثابه دانشی نام‌می‌برد که افراد را قادر به تفسیر کدهای فرهنگی گوناگون می‌کند. به‌باور بوردیو، سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک رابطه اجتماعی درون سازوکارهای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته عمل می‌کند، منتهی به قدرت و منزلت می‌شود. بنابر نظریه بوردیو، انواع سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی ریشه در طبقات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی مالکانشان دارند و طبقات بالای جامعه نه تنها امکانات اقتصادی را در اختیار دارند، بلکه سرمایه‌های غیراقتصادی و به‌ویژه سرمایه فرهنگی و اجتماعی را در مالکیت خود داشته و بدان وسیله خود را از دیگر طبقات اجتماعی جدا می‌کنند. در این فرایند، مالکیت انواع سرمایه خود را در افزایش میزان سلامت اجتماعی و کاهش میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه نشان می‌دهد. «کاوچی» و «برکمن» (۲۰۰۰) سازوکارهایی را برمی‌شمارند که با آن سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی اثر می‌گذارد. نخست این‌که، سرمایه اجتماعی با تقویت انتشار سریع اطلاعات مرتبط با سلامت و افزایش احتمال پذیرش هنجارهای رفتار سالم و نیز کنترل و نظارت بر رفتارهای مضر، بر سلامتی تأثیر می‌گذارد. دوم، سرمایه اجتماعی با افزایش دستیابی به خدمات و تسهیلات، بر سلامتی تأثیر خواهد گذاشت. سرانجام سرمایه اجتماعی

با تأمین حمایت اجتماعی و نیز عزت‌نفس و احترام متقابل، سلامتی افراد را تقویت کرده (مسعودنیا، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵) و از میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار اجتماعی نظیر انواع بزهکاری‌ها می‌کاهد. همچنین، به باور «بوردیو» همان‌طور که گروه‌های اجتماعی در سرمایه مادی خود با یکدیگر تفاوت دارند، در سلیقه‌ها، مهارت‌ها و مجموعه اطلاعاتی که برای رمزگذاری و تفسیر موقعیت‌های اجتماعی چون تحصیل، کار و ... از آن‌ها استفاده می‌کنند نیز متفاوت‌اند (یعنی سرمایه فرهنگی متفاوتی دارند) و این میزان تفاوت آن‌ها در سبک زندگی و فعالیت‌های مربوط به فراغت و سلامت نیز ظهور می‌کند و سبب می‌شود افرادی که سرمایه فرهنگی کمی دارند، نسبت به کسانی که از این نظر غنی هستند، دارای شیوه زندگی متفاوتی باشند و تلاش کمتری برای تأمین سلامت خود در بعد اجتماعی کنند. همچنین سرمایه فرهنگی سطوح مهارت‌های اجتماعی، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به‌عنوان عضوی از جامعه بزرگ‌تر را متأثر می‌سازد و بدین لحاظ سلامت اجتماعی افراد تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این مسئله در راستای رویکرد سلامت اجتماعی «کییز»^۱ (۲۰۰۴) است که معتقد است فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که زندگی را به‌صورت یک مجموعه معنی‌دار و قابل‌فهم برای رشد و شکوفایی دانسته و احساس کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهم است (کییز و شاپیرو، ۲۰۰۴، ص ۳۵۲). بدین لحاظ، فقدان سرمایه فرهنگی می‌تواند سلامت اجتماعی افراد را به خطر بیندازد. «رز» و «وو»^۲ نیز در نظریه خود مطرح می‌کنند که افرادی که از سرمایه فرهنگی زیادی برخوردارند، کمتر احتمال دارد که بیکار بمانند و اغلب در مشاغل تمام‌وقت و با درآمد بالا مشغول به کار می‌شوند، از منابع اجتماعی و روانی متعددی مثل احساس خودکنترلی و حمایت اجتماعی بالا بهره‌مند شده و اغلب سبک زندگی سالم‌تری در پیش می‌گیرند، بنابراین از سلامت اجتماعی بیشتری برخوردار شده (کدخدایی و لطفی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱ و ۱۹۲) و تمایل به رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه نزد آن‌ها کاهش می‌یابد.

در حوزه پژوهش‌های داخلی، پویافر (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «آنومی و کج‌روی در جامعه در حال گذار؛ مطالعه یک مسئله در شهر سمنان» با بررسی ۴۲۰ نفر از شهروندان مناطق مختلف شهر سمنان، نشان می‌دهد که آنومی در جامعه مورد مطالعه در سطح متوسطی قرار داشته و نقش مؤثری

بر بروز کج‌روی در میان شهروندان دارد. باقری و حشمتی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر بزهکاری مددجویان کانون اصلاح و تربیت شهری تهران در سال ۱۳۹۵ با بررسی ۵۰ نفر از نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ سال نشان داد که متغیرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان نظارت والدین، جرائم اعضای خانواده، محرومیت نسبی و خانواده‌های گسسته رابطه معنی‌داری با شدت بزهکاری دارند. احمدی و همکاران (۱۳۹۵) در قالب پژوهشی به تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرائم اجتماعی جوانان در زندان مرکزی شهر سمنان پرداخته و با ارزیابی ۱۹۶ نفر از زندانیان نشان می‌دهد که هرچه جوانان از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، میزان ارتکاب جرم آن‌ها کمتر خواهد بود و برعکس. همچنین جوانانی که بیشتر مرتکب جرم می‌شوند، در فضاهای اجتماعی رشد کرده‌اند که از سرمایه اجتماعی پایین‌تری برخوردار است. در حوزه فرهنگ نیز شاه‌جهان‌پور (۱۳۹۶) در مقاله «نقش فرهنگ در پیشگیری از جرم» نقش رسانه در جرم‌زایی، جرم‌زدایی، نقش آموزش و تبلیغات در پیشگیری از جرم، نقش اعتقادات مذهبی و خانوادگی در پیشگیری از جرم و پیشگیری از وقوع جرم با هنر مورد ارزیابی واقع شده است. در حوزه پژوهش‌های خارجی نیز «کیم» و «پرایدمور»^۱ (۲۰۰۵) با بررسی رابطه بین متغیرهای اجتماعی، آنومی نهادین و وقوع جرائم خشن در روسیه، نقش شرایط و تغییرات اجتماعی- اقتصادی را در ارتکاب جرم در شرایط وجود نهادهای اجتماعی و غیرانتفاعی قوی را بررسی کرده است. «بجرگارد» و «کوکران»^۲ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی به آزمون نظریه آنومی نهادین در یک مطالعه بین جامعه‌ای پرداخته و میزان تعدیل یا مداخله واسطه‌ای نهادهای اجتماعی در تأثیر اقتصاد بر نرخ‌های جرائم و بزهکاری را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (پویافر، ۱۳۹۰). «مور» و «ریکر»^۳ (۲۰۱۳) با بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر میزان و نوع جرم در بین ایالت‌های مختلف آمریکا نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه اجتماعی از میزان جرائم کاسته می‌شود (خواجه‌نوری و محمودآبادی، ۱۳۹۲). با توجه به جمیع مسائل مطرح شده در پیشینه پژوهشی، در این پژوهش تلاش شده است تا از یک سو به سازوکارهای تعاملاتی میان چندین سازه جامعه‌شناختی واجد اهمیت در حوزه پیشگیری

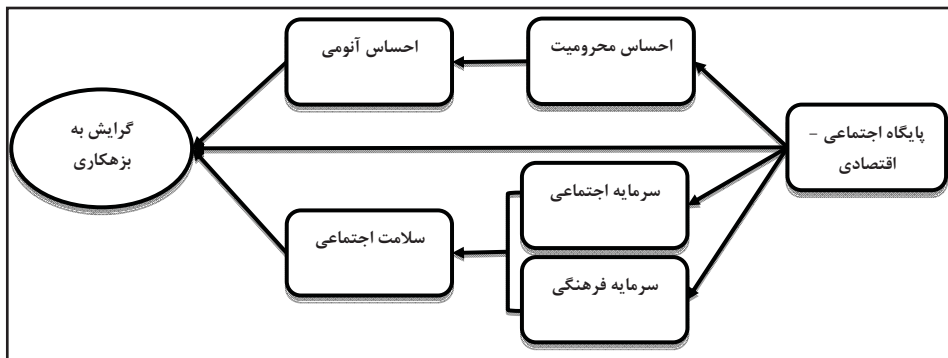
1. Kim & Pridemore
3. Moore & Recker

2. Bjerregaard & Cochran

از بزهکاری توجه گردد و از سوی دیگر، مرزبندی میان نمودهای عینی بزهکاری نوجوانان و جرائم اجتماعی بزرگسالان مشخص شود.

چارچوب نظری

در مجموع، تبیین بزهکاری اجتماعی، نه فقط بر پایه یک نظریه واحد صورت می‌گیرد و نه فقط بر مبنای یک متغیر اجتماعی. این مسئله، نیازمند کاربرد نوعی روش ترکیبی برای استفاده همه‌جانبه و تلفیقی از نظریه‌های مختلف و نیز انواع متغیرهای دخیل در تحلیل مسائل اجتماعی جهت تبیین میزان بیشتری از واریانس متغیرهای وابسته هر پژوهش است. در این پژوهش، برای نیل به این تبیین جامع، دو متغیر مستقل اصلی (سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی) و دو متغیر میانجی (احساس آنومی و سلامت اجتماعی) از چند مسیر مجزا برای تبیین گرایش به بزهکاری در نظر گرفته شدند. متغیرهای یادشده به ترتیب منتج از نظریه فشارساختاری مرتون (پایگاه اجتماعی/ اقتصادی، احساس محرومیت)، نظریه محرومیت نسبی «مرتون»- «بلاو» (احساس محرومیت)، نظریه آنومی دورکیم و نظریه سرمایه فرهنگی- اجتماعی بوردیو به همراه راهبردهای نظری «کاووچی» و «برکمن» (۲۰۰۰) و رز و وو در حوزه ارتباطی میان انواع سرمایه با سلامت اجتماعی می‌باشند.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش (مدل اکتشافی محقق ساخته)

روش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کمی است که از حیث هدف کاربردی، از حیث ماهیت توصیفی و تحلیلی و با توجه به معیار زمان پیمایشی و به صورت مقطعی انجام شده است. در

این پژوهش به منظور جمع‌آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای مطالعه نظریه‌ها و کسب اطلاعات به منابع و اسناد رجوع شده است و فن استفاده شده در بخش میدانی، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری این پژوهش نوجوانان دبیرستانی شهر تهران در سال ۱۳۹۷ است. برای انتخاب حجم نمونه پژوهش در بین افراد جامعه آماری از فرمول عمومی کوکران استفاده شده است، بنابراین حجم نمونه پژوهش، طبق فرمول یادشده برابر خواهد شد با:

$$n = \frac{(1.96)^2 \cdot 0.5 \cdot 0.5}{(0.05)^2} = 384$$

برای دسترسی به جامعه آماری از دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده استفاده شده است. در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در وهله نخست شهر تهران براساس مناطق چندگانه شهرداری به ۵ پهنه تقسیم‌بندی شد. مبنای این تقسیم‌بندی سطح توسعه‌یافتگی فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی مناطق بوده است. بدین معنا که مناطق ۱، ۳، ۲ و ۶ در پهنه اول، مناطق ۴، ۵، ۱۱، ۲۱ و ۲۲ در پهنه دوم، مناطق ۱۳، ۱۲، ۷ و ۱۸ در پهنه سوم، مناطق ۱۵، ۱۴، ۱۰، ۱۶ و ۲۰ در پهنه چهارم و مناطق ۸، ۹، ۱۷ و ۱۹ در پهنه پنجم قرار گرفتند. سپس از هر پهنه، یک منطقه و در هر منطقه ۲ ناحیه به شیوه تصادفی انتخاب شد (مناطق انتخاب شده به صورت تصادفی: ۲، ۵، ۱۳، ۱۵ و ۱۹). در سنجش اعتبار ابراز سنجش از اعتبار صوری (استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان ذیربط) استفاده شده است و اصلاح محتوایی و تناسب متغیرها با پرسش‌ها انجام شد و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که مقدار آن برای همه شاخص‌های پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۷۰ به دست آمد.

جدول ۱. بررسی پایایی مفاهیم پژوهش

ابعاد	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۷۷۳	۰/۷۸۹
احساس محرومیت	۰/۷۸۵	۰/۷۸۷
سرمایه اجتماعی	۰/۷۴۵	۰/۷۶۲
سرمایه فرهنگی	۰/۸۱۲	۰/۸۳۴
سلامت اجتماعی	۰/۷۳۳	۰/۷۶۹
احساس انومی	۰/۸۰۹	۰/۸۳۴
گرایش به بزهکاری	۰/۷۶۹	۰/۷۷۷

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

در جدول زیر تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

مفهوم	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	موقعیت و اعتبار فرد در جامعه، با توجه به موقعیت مالی - اجتماعی وی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی نامیده می‌شود (قائم‌فر و میرزایی، ۱۳۸۹، ص ۹)	پایگاه اجتماعی اقتصادی در پژوهش حاضر عبارت است از: جمع نمرات آزمودنیها در سه شاخص وضع شغلی، درآمد و تحصیلات والدین
احساس محرومیت نسبی	در حقیقت از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد با آنچه که بدست می‌آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آنها مقایسه می‌کند بدست می‌آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود (کوهن، ۲۰۰۵)	در این پژوهش بوسیله معرف‌های زیر عملیاتی و مورد سنجش قرار گرفت. احساس محرومیت از درآمد خانواده، مسکن و رفاه زندگی در قیاس با دیگران است
احساس آنومی	بی‌هنجاری دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی که رفتار فردی را انتظام می‌بخشد، از هم گسیخته یا تأثیر خود را به‌عنوان قاعده رفتار از دست داده است و به احساس فرد در چنین شرایطی احساس بی‌هنجاری گویند (سلیمانی و ناییبی، ۱۳۹۱)	در این پژوهش از طریق ۵ سوال (میزان ابهام و تردید در باورها و عقاید، احساس ضعف در هنجارها و نظام اجتماعی، میزان احساس ضعف در تعهد و وفاداری و ...) در قالب طیف لیکرت از اصلاً (۰) تا خیلی زیاد (۵) میزان احساس آنومی عملیاتی شد.
سرمایه اجتماعی	بورديو سرمایه اجتماعی را نه یک شیء واحد، بلکه انواع چیزهای گوناگونی می‌داند که اولاً شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی‌اند و ثانیاً کنش‌های افراد را که درون ساختار اجتماعی هستند تسهیل کرده و آنها را برای نیل به هدف‌های معین یاری می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۲).	به‌منظور سنجش سرمایه اجتماعی از ۳ بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی استفاده شده است.
سلامت اجتماعی	سلامت اجتماعی یعنی درک فرد از اجتماع به صوت مجموعه‌ی معنی‌دار، قابل فهم، دارای نیروی بالقوه برای رشد و شکوفایی همراه با احساس تعلق به جامعه است، به نحوی که خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهم بداند (کییز، ۱۹۹۸).	به‌منظور عملیاتی ساختن مفهوم سلامت اجتماعی از پرسشنامه استاندارد کییز استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال و ۵ بعد «شکوفایی اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی و مشارکت اجتماعی» در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است.

1. Kohn

2. Colmen

<p>جهت سنجش این متغیر سه بعد در نظر گرفته شده است: بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته اشاره به معلومات کسب شده افراد دارد و با گویه‌هایی که میزان مهارت و دانش افراد در هنرهای دستی، کامپیوتر و نرم افزارهای آن، زبان خارجی و ... را می‌سنجد، عملیاتی شده است. سرمایه فرهنگی عینیت یافته، اشاره به مصرف کالاهای مادی داشته و با استفاده از گویه‌هایی که میزان مصرف کتاب، فیلم، سی‌دی‌های آموزشی، اینترنت، میزان مراجعه به موزه‌ها و نمایشگاه‌های ادبی و علمی را سنجیده‌اند، عملیاتی شده است و بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی، که با گویه‌هایی مثل دریافت گواهی نامه‌های معتبر عملیاتی شده است.</p>	<p>تراسبی^۱ سرمایه فرهنگی را نوعی دارایی قلمداد می‌کند که مجسم کننده، ذخیره کننده یا تأمین کننده ارزش‌های فرهنگی علاوه بر هر گونه ارزش‌های اقتصادی است که می‌تواند داشته باشد (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۶).</p>	<p>سرمایه فرهنگی</p>
<p>این مفهوم دارای ۴ بعد گرایش به وندالیسم، خشونت و پرخاشگری، دزدی و تقلب و کجروی فرهنگی است که برای بعد وندالیسم شاخص‌های گرایش به تخریب وسایل عمومی در شهر و تخریب وسایل مدرسه و تخریب وسایل درون خانه استفاده شده است. درگیری خیابان و درگیری مدرسه، تهدید و ترساندن دیگران نیز به‌عنوان شاخص خشونت و پرخاشگری استفاده شده است. شاخص دزدی و تقلب شامل دزدی از خانه، برداشتن وسایل از مغازه، نپرداختن پول بلیط و تقلب در امتحانات است. شاخص کجروی فرهنگی شامل مزاحمت تلفنی، سیکار کشیدن، دیر برگشتن به خانه، بی‌احترامی به معلم، داشتن پوشش زننده و خارج از عرف، فرار از مدرسه و غیبت ناموجه از مدرسه است</p>	<p>برخی بزهکاری را تخطی از قوانین جامعه دانسته‌اند و گرایش به آن دسته از اعمال انحرافی یا ضد اجتماعی گفته می‌شود که از لحاظ هنجارهای حقوقی یا اجتماعی به منزله اعمال انحرافی یا ضد اجتماعی تعیین و ارزیابی می‌شود و جرایم در خور کیفری است که نوجوانان ۱۲ تا ۲۰ ساله مرتکب شوند (محمدی اصل، ۱۳۸۵، ص ۴۵)</p>	<p>گرایش به بزهکاری</p>

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: نوجوانان پژوهش حاضر (۵۲/۱ درصد) دختر و مابقی (۴۷/۹ درصد) پسر بوده‌اند. دامنه تغییرات سنی آنها بین ۱۲ تا ۲۰ سال بوده است و به‌طور متوسط ۱۶ سال سن داشته‌اند و ۴۳/۵ درصد در مقطع متوسطه اول و ۵۶/۵ درصد در مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل بوده‌اند

همچنین نتایج توصیفی مفاهیم پژوهش حاکی از این است که میزان گرایش به بزهکاری در جمعیت نمونه پژوهش در وضعیت متوسط رو به بالا است به‌طوری که میزان گرایش به بزهکاری

حدوداً دو سوم پاسخگویان (۶۵ درصد) متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. نتایج حاصل از سنجش پایگاه اقتصادی اجتماعی حاکی از این است که پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده بیش از یک سوم پاسخگویان پائین ارزیابی شده است. وضعیت سرمایه فرهنگی بهتر از وضعیت سرمایه اجتماعی پاسخگویان بوده است. شاخص سلامت اجتماعی یکی دیگر از شاخص‌های مطالعه شده است که در ۴۵ درصد از جمعیت مورد مطالعه در حد زیادی ارزیابی شده است. وضعیت احساس آنومی و احساس محرومیت در نمونه مورد مطالعه نیز متوسط رو به بالا بوده است.

جدول ۳. توصیف متغیرهای پژوهش

طیف (برحسب درصد)			متغیر
بالا	متوسط	پایین	
۳۳/۴	۲۱/۳	۴۵/۳	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۲۹/۷	۴۵/۲	۲۵/۱	سرمایه اجتماعی
۳۸/۸	۳۸/۱	۲۳/۱	سرمایه فرهنگی
۴۴/۹	۲۴/۳	۳۰/۸	سلامت اجتماعی
۳۰/۲	۳۰/۴	۳۹/۴	احساس آنومی
۳۹/۴	۲۹/۱	۳۱/۵	احساس محرومیت
۳۷/۱	۲۸/۳	۳۴/۶	گرایش به بزهکاری

یافته‌های تحلیلی: جدول زیر نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش و رابطه بین متغیرهای مستقل (پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سلامت اجتماعی، احساس آنومی و احساس محرومیت نسبی) با متغیر وابسته (گرایش به بزهکاری) را به کمک ضریب همبستگی پیرسون سنجیده است. ضرایب همبستگی مندرج در این جدول حاکی است که بجز دو متغیر (احساس آنومی و احساس محرومیت) سایر متغیرهای مستقل رابطه معکوس و معناداری با گرایش به بزهکاری دارند. به بیانی دیگر با افزایش احساس آنومی و احساس محرومیت و کاهش سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سلامت اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان گرایش به بزهکاری نوجوانان افزایش پیدا می‌کند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سلامت اجتماعی قوی‌ترین رابطه (۰/۷۳۴-) و سرمایه فرهنگی ضعیف‌ترین رابطه (۰/۴۳۸) را با گرایش به بزهکاری دارد.

جدول ۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش و میزان ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	پایگاه	سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	سلامت اجتماعی	احساس آنومی	احساس محرومیت	گرایش به بزهکاری
پایگاه	۱						
سرمایه اجتماعی	**۰/۵۸۱	۱					
سرمایه فرهنگی	**۰/۳۱۲	**۰/۵۳۳	۱				
سلامت اجتماعی	**۰/۴۵۶	**۰/۴۷۶	**۰/۴۸۹	۱			
احساس آنومی	**۰/۲۷۵	**۰/۲۹۹	**۰/۴۴۵	**۰/۵۲۵	۱		
احساس محرومیت	**۰/۴۷۳	**۰/۳۰۵	**۰/۳۸۷	**۰/۲۴۰	**۰/۴۴۹	۱	
گرایش به بزهکاری	**۰/۶۲۳	**۰/۵۲۳	**۰/۴۳۸	**۰/۷۳۴	**۰/۶۴۵	**۰/۵۸۰	۱

**معنادار در سطح ۰/۰۱ *معنادار در سطح ۰/۰۵

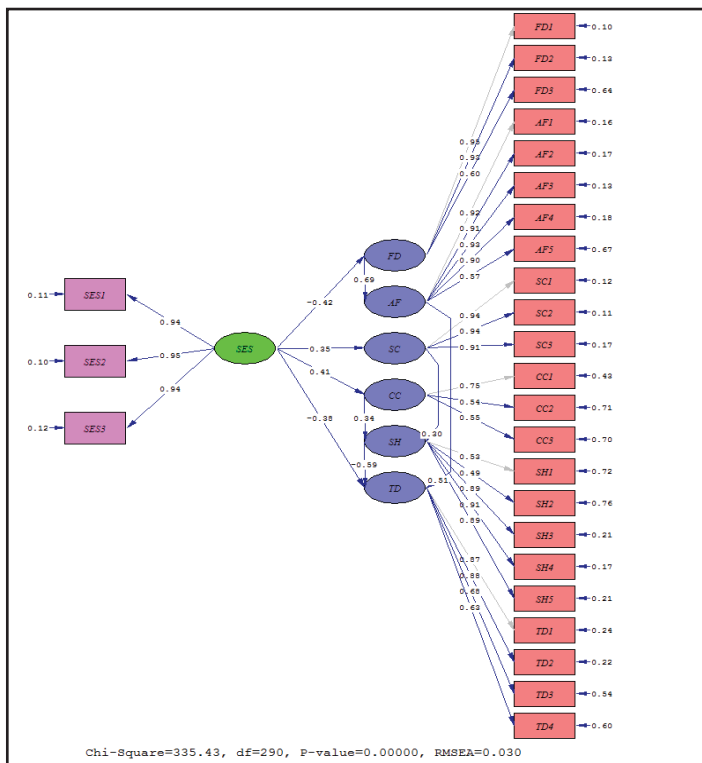
مدلسازی معادلات ساختاری: در این قسمت و با استفاده از نرم افزار مدلسازی معادلات ساختاری کوواریانس محور لیزرل به آزمون تجربی مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است. در این مدل فرض شده است که پایگاه اقتصادی اجتماعی علاوه بر تأثیر مستقیم بر گرایش به بزهکاری، با واسطه سایر متغیرهای دیگر بر گرایش به بزهکاری تأثیرگذار است، به نحوی که با کاهش «احساس محرومیت و احساس آنومی» و افزایش «سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و سلامت اجتماعی» گرایش به بزهکاری را کاهش می‌دهد. مدل مفهومی در حالت ضرایب استاندارد به شرح زیر اجرا شد، اما قبل از اجرای مدل به معرفی متغیرها پرداخته شد.

جدول ۵. معرفی متغیرها

نقش	متغیر	معادل لاتین	نماد اختصاری	متغیرهای مشاهده شده	نماد اختصاری
مستقل	پایگاه اقتصادی اجتماعی	Social Economic Status	SES	شغل	SES1
				تحصیلات	SES2
				درآمد	SES3
وابسته میانی (میانجی)	سرمایه اجتماعی	Social Capital	SC	اعتماد اجتماعی	SC1
				مشارکت اجتماعی	SC2
				انسجام اجتماعی	SC3
وابسته میانی (میانجی)	سرمایه فرهنگی	Cultural Capital	CC	تجسم یافته	CC1
				عینیت یافته	CC2
				نهادینه شده	CC3

ادامه جدول ۵. معرفی متغیرها

SH1	شکوفایی اجتماعی	SH	Social Health	سلامت اجتماعی	وابسته میانی (میانجی)
SH2	پیوستگی اجتماعی				
SH3	یکپارچگی اجتماعی				
SH4	پذیرش اجتماعی				
SH5	مشارکت اجتماعی				
FD1 تا FD3		FD	Feeling Deprived	احساس محرومیت	وابسته میانی (میانجی)
AF5 تا AF1		AF	Anomy Feeling	احساس آنومی	
TD1	وندالیسم	TD	Tendency to Delinquency	گرایش به بزهکاری	وابسته نهایی
TD2	خشونت و پرخاشگری				
TD3	دزدی و تقلب				
TD4	کجروی فرهنگی				



مدل ۲. مدل عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری (در حالت استاندارد)

جدول ۶. نتایج اجرای مدل معادلات ساختاری مدل عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری

ردیف	مبدا رابطه: متغیرهای نهفته مستقل (یا متغیرهای ζ)	مقصد رابطه: متغیر نهفته وابسته (یا متغیر η)	ضریب استاندارد (β)	ضریب معناداری (t-value)
۱	پایگاه اقتصادی اجتماعی	احساس محرومیت	-۰/۴۲	۵/۵۵
۲	احساس محرومیت	احساس آنومی	۰/۶۹	-۸/۴۷
۳	احساس آنومی	گرایش به بزهکاری	۰/۵۱	۶/۴۷
۴	پایگاه اقتصادی اجتماعی	گرایش به بزهکاری	-۰/۳۸	-۵/۲۴
۵	پایگاه اقتصادی اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۰/۳۵	۴/۸۲
۶	پایگاه اقتصادی اجتماعی	سرمایه فرهنگی	۰/۴۱	۵/۵۰
۷	سرمایه اجتماعی	سلامت اجتماعی	۰/۳۰	۴/۱۰
۸	سرمایه فرهنگی	سلامت اجتماعی	۰/۳۴	۴/۵۴
۹	سلامت اجتماعی	گرایش به بزهکاری	-۰/۵۹	-۷/۲۴

با توجه به اینکه کلیه ضرایب معنی‌داری مدل در خارج از بازه (۱/۹۶- تا ۱/۹۶) قرار گرفته است، بنابراین می‌توان گفت همه متغیرهای پژوهش از عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری هستند، زیرا همه آنها در سطح خطای ۵ درصد و با ۹۵ درصد اطمینان بر گرایش نوجوانان به بزهکاری معنادار دارند. با توجه به اینکه در مدل مفهومی متغیرهای پژوهش مستقیم و غیرمستقیم، گرایش به بزهکاری نوجوانان را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند، بنابراین در ادامه به ارائه نتایج حاصل از تحلیل مسیر پرداخته شده است.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری: متغیرهای پژوهش به سه شیوه «الف: اثر فقط مستقیم، ب: اثر فقط غیرمستقیم، ج: اثر مستقیم و هم غیرمستقیم» و با ضریب تأثیر مختلف بر گرایش نوجوانان به بزهکاری تأثیر داشته‌اند که در قسمت زیر به بررسی سهم نسبی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخته شده است.

الف) متغیرهایی که فقط بطور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند؛ با توجه به نتایج تحلیل مسیر مشخص است که «احساس آنومی» به‌عنوان یک متغیر واسط است و از سایر متغیرها تأثیر پذیرفته و بر گرایش نوجوانان به بزهکاری تأثیر می‌گذارد. بر طبق نتایج، احساس آنومی با ضریب تأثیر (۰/۵۱) بر گرایش نوجوانان به بزهکاری تأثیر مثبتی داشته است. همچنین

متغیر «سلامت اجتماعی» با ضریب تأثیر (۰/۵۹-) بر گرایش نوجوانان به بزهکاری تأثیر معکوسی داشته است، به عبارت دیگر با افزایش احساس آنومی و کاهش سلامت اجتماعی در بین نوجوانان با شدتی قوی، گرایش آنان به بزهکاری افزایش پیدا می‌کند.

ب) متغیرهایی که فقط به صورت غیرمستقیم و با واسطه متغیرهای دیگر بر گرایش به بزهکاری تأثیر می‌گذارند؛ متغیر «احساس محرومیت» با ضریب تأثیر (۰/۶۹) با واسطه سایر متغیر احساس آنومی تأثیر افزایش‌دهنده بر گرایش به بزهکاری دارد و متغیر «سرمایه اجتماعی» با ضریب تأثیر (۰/۳۰) و «سرمایه فرهنگی» با ضریب تأثیر (۰/۳۴) با واسطه متغیر سلامت اجتماعی تأثیر کاهش‌دهنده بر گرایش به بزهکاری داشته است، به بیانی دیگر با افزایش احساس محرومیت و کاهش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در بین نوجوانان، گرایش آنان به بزهکاری افزایش پیدا می‌کند.

ج) متغیر «پایگاه اقتصادی اجتماعی» با ضریب تأثیر (۰/۳۸-) علاوه بر تأثیر مستقیم بر گرایش به بزهکاری، با واسطه سایر متغیرها نیز بر گرایش به بزهکاری تأثیرگذار است. نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل موثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری در این پژوهش به قرار زیر است:

جدول ۷. نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری

کل اثر	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	متغیر وابسته	متغیر
۰/۵۱	----	۰/۵۱	گرایش به بزهکاری	احساس آنومی
-۰/۵۹	----	-۰/۵۹		سلامت اجتماعی
-۰/۶۷	$(-۰/۴۲) \times (۰/۶۹) \times (۰/۵۱) = (-۰/۱۵)$	-۰/۳۸		پایگاه اقتصادی-اجتماعی
	$(۰/۳۵) \times (۰/۳۰) \times (-۰/۵۹) = (-۰/۰۶)$			
	$(۰/۴۱) \times (۰/۳۴) \times (-۰/۵۹) = (-۰/۰۸)$			
۰/۳۵	$(۰/۶۹) \times (۰/۵۱) = (۰/۳۵)$	----		احساس محرومیت
۰/۱۸	$(۰/۳۰) \times (-۰/۵۹) = (۰/۱۸)$	----		سرمایه اجتماعی
۰/۲۰	$(۰/۳۴) \times (-۰/۵۹) = (۰/۲۰)$	----	سرمایه فرهنگی	

جدول ۸، نتایج شاخص‌های برازش حاصل از اجرای مدل را نشان می‌دهد:

جدول ۸. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	نسبت کای دو به درجه آزادی	df/χ^2	۱/۱۵	< ۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۸	> ۰/۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۶	> ۰/۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۷	> ۰/۹۰	مطلوب
۵	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۹	> ۰/۹۰	مطلوب
۶	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۳۰	< ۰/۰۸	مطلوب

با توجه به شاخص‌های برازش که در جدول ۸ ارائه شده، می‌توان گفت، داده‌های جمع‌آوری شده به خوبی مدل مفهومی را مورد حمایت قرار می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

تغییرات به وقوع پیوسته در دهه‌های اخیر، نشان از تحول اساسی در ساختار نظام ارزشی جامعه است، تحولاتی که با نظم سنتی پیشین در تقابل است. امروزه با تشدید فرایندهای جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی آن، به‌ویژه آسیب‌های اجتماعی از جمله بزهکاری به موضوع سیاست‌های اجتماعی مبدل شده است. نوجوانان به‌عنوان یکی از مهمترین گروه‌های سنی، گاهی به شیوه‌ای متفاوت از سایر گروه‌های سنی به پیامدهای توسعه اجتماعی واکنش نشان می‌دهند و گاهی واکنش‌های انحرافی را به‌کار می‌گیرند که یکی از واکنش‌های انحرافی گرایش به بزهکاری در بین نوجوانان است. در مورد این پدیده اجتماعی در چند سال اخیر پژوهش‌های فراوانی برای تعریف و پیشگیری از آن به‌عمل آمده است، ولی متأسفانه روند رشد آن نه تنها کاهش نیافته بلکه روز به روز بیشتر و فراگیرتر می‌شود و حتی به مناطق روستایی و با تراکم جمعیتی پایین نیز کشیده شده است. بنابراین در همین راستا پژوهش حاضر به‌منظور سازه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با گرایش به بزهکاری نوجوانان انجام شده، پس از طی مراحل مقدماتی و مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی و همچنین، مرور نظریه‌های مختلف در زمینه انحراف‌های اجتماعی یک رویکرد ترکیبی شامل نظریه مرتون، دورکیم و بوردیو و کیز برای تبیین این موضوع برگزیده شد و برای تأیید یارد فرضیه‌ها، از طریق پرسشنامه خودگزارشی در یک نمونه ۳۸۴ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر

تهران، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و سپس با استفاده از فنون آماری این داده‌ها تجزیه و تحلیل شد.

یکی از یافته‌های این پژوهش وجود رابطه معکوس بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و گرایش به بزهکاری بوده است این یافته با یافته‌های باقری و حشمتی (۱۳۹۵) همسو است و در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت این فرضیه مورد قبول بیشتر محققان است که طبقات اقتصادی- اجتماعی پائین، میزان بیشتری از رفتارهای بزهکارانه را نسبت به طبقات متوسط و بالا مرتکب می‌شوند و تاییدکننده نتایج کسب شده در این پژوهش است. به عبارت دیگر، هر چه فرد از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پائین تری برخوردار باشد، گرایش به رفتار بزهکارانه در او بیشتر است. یکی دیگر از نتایج این پژوهش رابطه مستقیم بین احساس بی‌هنجاری با گرایش به بزهکاری بود. این یافته‌های پژوهشی با یافته‌های پویافر (۱۳۹۰)، «پرایدمور» (۲۰۰۵) و «بجرگارد» و «کوکران» (۲۰۰۸) همسوست و در این ارتباط باید گفت احساس بی‌هنجاری زمانی رخ می‌دهد که فرد راه مقبول رسیدن به هدف را مسدود می‌داند، بنابراین راهی را انتخاب می‌کند که جامعه آنرا نفی کرده است. بنابراین احساس بی‌هنجاری نیز به‌عنوان یک متغیر برای تبیین گرایش به بزهکاری در نظر گرفته شد. وجود رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی و گرایش به بزهکاری که با نتایج احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، «سلمی» و «کیویوری» (۲۰۰۶) و «مور» و «ریکر» (۲۰۱۳) همخوانی دارد و مؤید این مطلب است که سرمایه اجتماعی می‌تواند به ترویج و تقویت هنجارهای و ارزش‌هایی بپردازد که مانع از وقوع رفتار جرم‌آمیز می‌شوند. با تقویت پیوندهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی، ضمانت اجرایی علیه کسانی که هنجارها و رفتارهای پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند فراهم می‌آید. بهره‌جویی از سرمایه اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا برای رسیدن به اهداف مشترک با یکدیگر همکاری کنند و در راستای پیشگیری از جرایم و آسیب‌های امنیتی بکوشند. بنابراین به نوعی می‌توان گفت آسیب‌های اجتماعی، انحرافات و معضلات اجتماعی، همه و همه ممکن است به نوعی بازتاب فقدان سرمایه اجتماعی باشند. هرچه در یک جامعه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، میزان جرایم کم‌تر می‌شود. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از این بود که بین سرمایه فرهنگی و گرایش به بزهکاری رابطه معکوس وجود دارد، در تبیین احتمالی

این یافته پژوهشی که در راستای نظریه بوردیو نیز هست و با یافته‌های شاه‌جهان‌پور (۱۳۹۶) هم‌خوانی دارد، می‌توان گفت افرادی که سرمایه فرهنگی کمی دارند، نسبت به کسانی که از این نظر غنی هستند، دارای شیوه زندگی متفاوتی باشند و تلاش کمتری برای تأمین سلامت خود در بعد اجتماعی می‌کنند. سرمایه فرهنگی افراد، زمینه ارزیابی و تفاسیر متفاوت رویدادها و به‌عبارت‌دیگر، دانش‌های متفاوت برای افراد را فراهم می‌کند که این مقوله برحسب رویکردهای شناختی، هیجانات متفاوتی در افراد و گروه‌ها ایجاد می‌کند. بنابراین میزان دسترسی افراد به سرمایه‌های فرهنگی موجب احراز نوع خاصی از سبک زندگی مرتبط با سلامت توسط آن‌ها می‌شود و در گرایش یا پرهیز از گرایش آن‌ها به بزهکاری تأثیرگذار است. منابع فرهنگی از جمله عوامل تعیین‌کننده کنش‌های افراد و پیش‌شرط‌های اساسی برای جهت‌گیری‌های رفتار عاملان در محدوده‌های ساختاری هستند.

همچنین وجود رابطه مستقیم بین احساس محرومیت نسبی با گرایش به بزهکاری یکی دیگر از نتایج کسب شده پژوهش حاضر است که در تبیین احتمالی این یافته پژوهشی می‌توان گفت هر نوع احساس منفی، خشم را افزایش می‌دهد. خشم نیز حس صدمه دیدن و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد و همین‌طور تمایل به انتقام را به‌وجود می‌آورد و افراد را برای عمل کردن برمی‌انگیزاند و موانع آن را نیز کاهش می‌دهد. احساس‌های منفی، سطح آسیب احساسی افراد را افزایش داده و به افراد برای کنش نیرو می‌بخشد. احساس‌های منفی یک حس قدرت فوری و تمایل به انتقام را ایجاد می‌کند. به‌همین دلیل است که احساس‌های منفی مانند احساس محرومیت نسبی منجر به رفتار بزهکارانه می‌شود. وقتی فرد احساس محرومیت می‌کند، شاید به خشونت روی می‌آورد، چون احساس می‌کند جامعه در مقابل توزیع امکانات، ناعادلانه عمل کرده است، از این‌رو گرایش افراد به بزهکاری نیز بیشتر می‌شود.

پیشنهادها: در این پژوهش تلاش شده است گرایش نوجوانان تهرانی به بزهکاری در ارتباط با متغیرهای اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. بدیهی است که این متغیرها زمینهای اصلی شکلگیری این مسئله را فراهم می‌آورند و برای مقابله با مسئله یادشده نیز باید به سراغ همین بسترها و زمینها رفت تا بتوان با مسئله، برخوردی ریشه‌ای داشت. از این‌رو در ادامه با توجه به

یافته‌های اصلی این پژوهش، مجموعه‌ای از راهکارها ارائه می‌شود.

لازم است سیاست‌های کنترلی و پیشگیرانه بیشتر به سمت اقدامات اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی سوق داده شود زیرا این عوامل زمینهای اصلی مسئله را فراهم می‌سازند. تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند در کاهش گرایش به بزهکاری تأثیر زیادی داشته باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نیز بر رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی و گرایش به بزهکاری اشاره داشت. در این خصوص باید گفت هرچه اعتمادسازی (اعم از رسمی و غیررسمی) در بین نوجوانان تقویت شود و میزان مشارکت اجتماعی آنها ترغیب و تقویت شود، ارتکاب به بزهکاری آنها کمتر می‌شود.

برای فوریت‌های اجتماعی، یک اورژانس اجتماعی در نظر گرفته شده بود که آن هم هیچ‌وقت در دسترس نیست، درحالی‌که با توجه به آمار و ارقام به نظر می‌رسد که این موضوع بسیار باید جدی گرفته شود. به بیانی دیگر برای کاهش بزهکاری و پیامدهای آن در جامعه باید اورژانس اجتماعی بیشتر در جامعه دیده شود. در خیابان‌های شهرمان این همه مشاوران املاک، دفتر بیمه و باشگاه‌های پرورش اندام مشاهده می‌شود ولی کمتر دفاتر مشاوره دیده می‌شود. این در حالی است که ما بیشتر از آنکه به باشگاه‌های پرورش اندام نیاز داشته باشیم به باشگاه‌های پرورش افکار نیاز داریم.

آموزش و پرورش نقش مهمی در تربیت و شکل‌گیری منش کودکان دارد. یکی از مهمترین آموزش‌های دوران نوجوانی، آموزش مهارت‌های زندگی است که شامل ۱۰ مهارت است: خودآگاهی، هم‌دلی، ارتباط مؤثر، ارتباطات بین فردی، مقابله با هیجانات منفی، کنترل هیجان، تصمیم‌گیری، حل مسأله، تفکر نقادی، تفکر خلاق، مشارکت، انتخاب.

توجه جدی‌تر به مقوله سلامت اجتماعی توصیه دیگری است. به بیانی دیگر ما در کنار نیاز به سلامت روانی و جسمانی به سلامت اجتماعی و معنوی هم نیاز داریم. وقتی با موارد بزهکاری روبه‌رو می‌شویم بیشتر با این موضوع مواجه هستیم که یک یا چند بعد از سلامت مورد توجه قرار نگرفته است، این در حالی است که در جامعه ما تا حدودی همه بودجه سلامت به سلامت جسمانی تخصیص پیدا کرده است، در حالی‌که در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته دنیا، بودجه زیادی صرف سلامت اجتماعی می‌شود، اما در کشور ما کمتر از ۵ درصد بودجه سلامت به بخش سلامت

اجتماعی اختصاص داده می‌شود، به همین خاطر است که همیشه چند قدم از آسیب‌های اجتماعی عقب‌تر هستیم.

آموزش مهارت‌های فرزندپروری هم باید مورد توجه جدی قرار بگیرد. پدران و مادرانی هستند که حداقل تربیت فرزندان را هم نمی‌دانند، بنابراین اقتضاء می‌کند که به این زمینه ورود پیدا کرد و یک‌سری آموزش‌های اجباری با تکیه بر آموزه‌های فرهنگی و دینی خودمان را به پدران و مادران ارائه کنیم؛ به گفته رییس نظام روانشناسی، افرادی که آموزش ندیده‌اند مبتنی بر غرایز خود رفتار می‌کنند و در مواجهه با بحران‌ها دست در خزانه آموزش‌های رفتاری خود می‌کنند، اما از آنجا که آموزش درستی ندیده‌اند، رفتاری غیراجتماعی از خود بروز می‌دهند. در پایان باید گفت پیشگیری از وقوع جرم درست است که حلقه مفقوده قوه قضائیه است و مطابق بند ۵ اصل ۵۶ قانون اساسی پیشگیری از وقوع جرم یکی از رسالت‌های قوه قضائیه است، اما باید پذیرفت که اگر سایر قوا و دستگاه‌های اجرایی در این زمینه همکاری نکنند، آنچنان که باید در این امر توفیقی حاصل نمی‌شود.

فهرست منابع

- احمدی، سینا؛ شمسی، رحمت و احمدی، بختیار. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرایم جوانان، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۷(۴)، صص ۴۹-۲۳.
- باقری‌بنجار، عبدالرضا و حشمتی، رضا. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر بزهکاری مددجویان کانون اصلاح و تربیت شهر ری تهران در سال ۱۳۹۵. مجموعه مقالات اولین همایش ملی خانواده و مسائل نوپدید، آذربایجان، دانشگاه شهید مدنی.
- باینگانی، بهمن و کاظمی، علی. (۱۳۸۹). بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی، *برگ فرهنگ*، ۲۱، صص ۲۱-۸.
- پویافر، محمدرضا. (۱۳۹۰). آنومی و کجروی در جامعه در حال گذار؛ مطالعه یک مسئله در شهر سمنان، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۴(۲)، صص ۷۹-۵۱.
- حیدری، اسلام و پارسامهر، مهربان. (۱۳۹۰). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر اهواز)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۴۷)، صص ۲۲۹-۲۰۷.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۷). *افزایش ۵۰ درصدی جرایم اطفال و نوجوانان*، قابل دسترس در سایت: www.tasnimnews.com/fa/news
- خواجه‌نوری، بیژن و زارعی محمودآبادی، علیرضا. (۱۳۹۵). رابطه سرمایه اجتماعی و جرم جوانان مورد مطالعه: جوانان شهر یزد، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۵(۱۲)، صص ۱۴-۱.

- رسولزاده اقدم، صمد؛ جعفری، قاسم؛ سعادت، موسی و یوسفی اقدم، رحیم. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی سهم سهام عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۱۷(۱)، صص ۱۷۸-۱۴۳.
- شاهجهان پور، سعید. (۱۳۹۶). نقش فرهنگ در پیشگیری از جرم، *فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار*، ۴، صص ۷۲-۶۱.
- عباس‌زاده، محمد؛ عابدینی، عیسی؛ حسینی، محمدرضا و مبارک بخشایش، مرتضی. (۱۳۹۱). آشفته‌گی اجتماعی و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی (مورد مطالعه: رانندگان شهر تبریز)، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۴(۱)، صص ۳۸-۱۹.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع پور، محمود و ورمزیار، مهدی. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری، *پژوهش زنان*، ۲(۲)، صص ۱۳۳-۱۰۷.
- قادری، مهدی؛ ملکی، امیر و احمدنیا، شیرین. (۱۳۹۵). از سرمایه فرهنگی بوردیو تا سرمایه فرهنگی مرتبط با سلامت به تعبیر آبل: کاربرد شاخص‌های نوین در تبیین سبک زندگی سالم، *رفاه اجتماعی*، ۶(۲)، صص ۵۹-۵۸.
- کدخدایی، فاطمه و لطفی، شورش. (۱۳۹۲). سنجش میزان سلامت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان‌های شهر شیراز و بررسی عوامل موثر بر آن، *پژوهش اجتماعی*، ۶(۲۰)، صص ۲۰۷-۱۸۳.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صوری، تهران: نشر نی.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۵). *بزهکاری نوجوانان و نظریات انحراف اجتماعی*، تهران: نشر علم.
- میرزایی، عزت‌الله و قائمی فر، حسین. (۱۳۸۹). *رفتارهای وندالیستی و احتمال ارتکاب جرم در آینده*. انتشارات ایلاف.
- نبوی، سید عبدالحسین، حیدری، آرش. (۱۳۹۳). بررسی پاره‌ای از عوامل مؤثر بر بروز احساس انومی: آزمون تئوری آنومی مرتون، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲(۲)، صص ۱۸۱-۱۴۱.
- نظری، علی محمد. (۱۳۹۴). فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده پیرامون نقش خانواده در بزهکاری نوجوانان، *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۴(۵۵)، صص ۱۳۵-۱۱۴.
- Bjerregaard, B. Cochran, J. K. (2008). A Cross-National Test of Institutional Anomie Theory: Do the Strength of Other Social Institutions Mediate or Moderate the Effects of the Economy on the Rate of Crime? *Western Criminology Review*, 9(1), pp. 31-48.
- Chandra, S, Foster, A.W. (2005). The Revolution of Rising Expectations, Relative Deprivation, and the credentialing problems: A test of a model integrating relative deprivation theory with social identity theory, *British Journal of Social Psychology*, 47, 687-705.
- Cohen, A. (2005). *Delinquency Boys, The culture of the gang*. New York: The Free Press.
- Deutsch, A. R., L. J. Crockett, J. M. Wolff, and S. T. Russell. (2012). Parent and Peer Pathways to Adolescent Delinquency: Variations by Ethnicity and Neighborhood Context. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(8).
- Keyes, C. L. M. (1998). Social Well-being. *Social Psychology Quarterly*, 61.
- Keyes, C.M., Shapiro, A. (2004). Social Well-being IN The U.S: A Descriptive Epidemiology, Orville Brim: Carol D. Ryff & Ronald C. Kessler (Eds), *Healthing Are You. A National Study OF Well-being of Midlife*, University of Chicago Press.
- Kim, Sang-Weon, William Alex Pridemore. (2005). Social Change, Institutional Anomie and Serious Property Crime in Transitional Russia. *British Journal of Criminology*, 4(1), pp 81-97.

- Lopez Turley, R. N. (2002). Is relative deprivation beneficial? The effect of richer and poorer neighbors on children's out comes. *Journal of Community Psychology*, 30(6), pp, 671-686.
- Moore, D. M & Reckler, L. N. (2013). Social Capital, Type of Crime and Social Control. *Criminology and Penology*, (112), pp 143-173.
- Salmi, V. & Kivivuori, j. (2006). The Association between Social Capital and Juvenile Crime the Role of Individual and Structural Factors. *European Journal of Criminology*, 3(2). pp 123-148.
- Shoemaker, D. J. (2010). *Theories of Delinquency: An Examination of Explanations of Delinquent Behavior*. Published by Oxford University Press, Inc.